

تحلیل عوامل بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی در شهرستان شوشتر

زهرا سلطانی^۱، مجید گودرزی^{۲*}، محمد وردی پور^{۳**}

چکیده

اشتغال زنان روستایی یکی از عوامل کلیدی در توسعه مناطق روستایی محسوب می‌شود و نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و معیشتی این جوامع دارد. با این حال، توسعه اشتغال زنان در مناطق روستایی با موانع و چالش‌های متعددی مواجه است که می‌تواند از دستیابی به پتانسیل‌های کامل آنها جلوگیری کند. شهرستان شوشتر به عنوان یکی از مناطق با ظرفیت بالای کشاورزی و صنایع وابسته، از این قاعده مستثنی نیست. به همین منظور پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی انجام شده است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از ابزار پرسشنامه داده‌های موردنیاز گردآوری شده است. جامعه آماری شامل زنان روستایی ۱۸ تا ۶۵ سال شهرستان شوشتر بوده که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۶۵ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد و پرسشنامه‌ها از طریق دهیاری‌ها توزیع و جمع‌آوری گردیدند. پس از بررسی مبانی نظری و مصاحبه با متخصصان، پنج عامل آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، نهادی و محیطی به عنوان عوامل بازدارنده اصلی شناسایی شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل گردیدند. نتایج نشان داد تمامی شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری تأیید شدند و پنج عامل مورد بررسی تأثیر منفی و معناداری بر توسعه اشتغال زنان روستایی دارند. در این میان، عوامل محیطی بیشترین اثر بازدارنده را نشان دادند. یافته‌ها می‌توانند به سیاست‌گذاران در تدوین راهکارهای مؤثر برای کاهش موانع اشتغال زنان روستایی کمک کنند.

واژگان کلیدی

موانع اشتغال، زنان روستایی، معادلات ساختاری، شهرستان شوشتر.

*. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (z.soltani@scu.ac.ir)
**. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) (m.goodarzi@scu.ac.ir).
**. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران (@vardipor1352400@gmail.com).

۱. مقدمه و بیان مسئله

معضل بیکاری همواره با گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله فقر، دزدی، بزهکاری و... همراه بوده است؛ بنابراین، نبود فرصت‌های شغلی در جامعه به طور عام و اقشار کم‌درآمد به عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه به طور خاص یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی است که به نوبه خود توازن و تعادل جامعه را به هم می‌ریزد (Cole, 2022; میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۳). ایجاد فضای کسب‌وکار عمومی و اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی، شرایط را برای تحقق توسعه فراهم می‌آورد. اهمیت جمعیت فعال در توسعه جوامع، زمانی مؤثر خواهد بود که کلیه افراد واقع در این طبقه، مشغول به فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی باشند و یا به عبارتی، شاغل باشند؛ زیرا از نظر بسیاری از پژوهشگران، مهم‌ترین شرط برای رشد و توسعه هر جامعه‌ای، ایجاد اشتغال برای افراد آن جامعه است (Crescenzi & et al, 2022; Mouly & Costa, 2022). امروزه به اعتقاد اغلب نظریه پردازان توسعه، عامل انسانی نقش مؤثری در هدایت جریان توسعه دارد. بر همین اساس، توجه به این مقوله به عنوان یک هدف مهم در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی مطرح است (Kelly & Price, 2019: 811). در بحث عامل انسانی، توجه به نقش و جایگاه زنان که نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند، از اهمیت اساسی برخوردار است. به گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان در آن کشور است (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱: ۸۴). این گروه عظیم اجتماعی نقش فعالی در پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه جوامع ایفا می‌کنند؛ به طوری که عدم بهره‌گیری از نیروی بالقوه آن‌ها در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه را ناممکن می‌سازد. زنان روستایی نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرآیند اقتصادی جامعه و خانواده هستند. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، بنابراین عدم توجه به توانایی این بخش از جامعه نتایج زیانباری را به دنبال خواهد داشت. گسترده‌ی دامنه موانع اشتغال زنان نشان می‌دهد که جز با برنامه‌ریزی یکپارچه و اصولی و تلاش گسترده در سطح ملی، نمی‌توان به بهبود وضعیت اشتغال زنان خوش‌بین بود (Zheng & et al, 2022). در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود؛ زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود. برعکس، دسترسی محدود یا برابر و فرصت‌های کسب درآمد و اشتغال که به صورت بیکاری و کم‌کاری پدیدار می‌شوند، از عمده‌ترین علل فقر است (Islam, 2021). نرخ اشتغال زنان در ایران بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی حدود ۱۱ درصد و بر اساس

برخی آمارهای رسمی بالغ بر ۱۳ درصد است. بر اساس جدیدترین آمار فقط بیش از ۱۲ درصد از زنان ایرانی در فعالیتهای اقتصادی کشور سهم دارند که سهم اندکی است (مینوی، ۱۴۰۰). در این میان شهرستان شوشتر یکی از شهرستانهای استان خوزستان است که به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خود از اهمیت بالایی برخوردار است. این شهرستان با داشتن منابع غنی کشاورزی، صنایع وابسته و ظرفیتهای طبیعی، یکی از مناطق مهم اقتصادی و اجتماعی در جنوب غربی ایران محسوب می‌شود. رودخانه‌های کارون و دز که از مهم‌ترین منابع آبی این منطقه هستند، بستری مناسب برای فعالیتهای کشاورزی و دامداری فراهم کرده‌اند. علاوه بر این، وجود آثار تاریخی و فرهنگی مانند سازه‌های آبی شوشتر که به‌عنوان میراث جهانی ثبت شده‌اند، به جایگاه ویژه‌ای برای توسعه در این شهرستان منجر شده است.

روستاهای شهرستان شوشتر با جمعیت قابل توجهی از زنان روستایی، پتانسیل بالایی برای مشارکت در فعالیتهای اقتصادی دارند. زنان روستایی در این منطقه به‌طور عمده در بخش‌های کشاورزی، دامداری و صنایع دستی مشغول به فعالیت هستند. با این حال، وجود موانع متعدد از جمله کمبود دسترسی به منابع مالی، آموزش‌های مهارتی، زیرساخت‌های شغلی و بازارهای محلی، موجب شده که اشتغال این گروه اجتماعی به شکلی پایدار و گسترده محقق نشود. همچنین، باورهای فرهنگی و اجتماعی و محدودیتهای ساختاری نقش مهمی در کاهش فرصتهای اقتصادی برای زنان روستایی این شهرستان دارند.

پژوهش در زمینه تحلیل عوامل بازدارنده توسعه اشتغال زنان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که شناسایی این موانع و ارائه راهکارهای عملی می‌تواند نقش بسزایی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی خاص شهرستان شوشتر، نتایج این پژوهش می‌تواند مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و توسعه قرار گیرد و فرصتهای اشتغال برای زنان روستایی را در این منطقه به شکل مطلوب‌تری فراهم کند. به همین منظور پژوهش حاضر با هدف تحلیل عوامل بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی در شهرستان شوشتر تدوین شده است و در راستای این هدف، به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا مدل معادلات ساختاری عوامل بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی در شهرستان شوشتر از برازش مطلوبی برخوردار است یا خیر؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

اخیراً در کشورمان مطالعات قابل توجهی درباره این مهم انجام شده است. به طوری که ثقفی و همکاران (۱۳۹۳) به واکاوی نقش اشتغال زنان روستایی در فرایند توسعه روستایی با تأکید بر موانع و مشکلات (مطالعه موردی: بخش تیمورآباد شهرستان هامون)، پرداختند و نشان دادند که بین اشتغال زنان روستایی و سطح توسعه روستاهای مورد مطالعه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. کلهر و نعمتی (۱۳۹۶) به بررسی اثرات اقتصادی توسعه‌ی اشتغال خانگی بر زنان روستایی شهرستان کنگاور استان کرمانشاه، پرداختند و گزارش نمودند که از دیدگاه زنان روستایی شاغل شدن، همیشه نگرش وضعیت مالی را به دنبال خود دارد که نگرش وضعیت مالی نیز تأمین مخارج خانواده، افزایش قدرت خرید، افزایش قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی را باعث می‌شود. شریفی و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال در شهرستان نجف‌آباد به این نتیجه رسیدند که گرایش به اشتغال بیش از نیمی از زنان روستایی متوسط رو به بالا بود. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین میزان گرایش گروه‌های مختلف زنان روستایی به اشتغال بر اساس وضعیت تأهل، عضویت در نهادهای روستا، دریافت وام، وضعیت اشتغال تفاوت معنی‌دار وجود نداشت. نتایج پژوهش همچنین حاکی از آن بود که بین میزان مطالعه در روز و نیز نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و گرایش زنان روستایی به اشتغال، رابطه‌ی مثبت معنی دار و بین میزان مرد سالاری در خانواده و گرایش زنان روستایی به اشتغال، رابطه‌ی منفی معنی‌دار وجود داشت؛ در حالی که بین میزان آزادی تحرک اجتماعی و گرایش آنان به اشتغال، رابطه معنی‌دار نبود. افزون بر این، زنان روستایی ۲۰ سال و پایین‌تر و نیز زنان روستایی با سطح تحصیلات بالاتر گرایش بیشتری به اشتغال داشتند.

اشتغال زنان روستایی در همه کشورهای جهان موضوع قابل تأملی است که همواره مورد مطالعه قرار می‌گیرد. چنان که پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر آموزش و اشتغال پس از ازدواج در میان زنان بنگلادش پرداخت و نتایج نشان داد که اغلب زنان روستایی پس از ازدواج از اشتغال محروم می‌شوند (Ghose & et al 2023). همچنین در پژوهشی با هدف توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی به این نتیجه رسید که سن زنان، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، ادراک نسبت به توانمندسازی اقتصادی، انگیزه، درآمد، مشارکت در تصمیم‌گیری و مشارکت در رهبری بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی تأثیر مثبت و معناداری دارد (Kuma & Godana, 2023). در مطالعه دیگری درباره توسعه اشتغال زنان روستایی در کشور هلند دریافتند که شناسایی مدل توسعه اشتغال زنان شامل شش عامل اصلی است که با توجه به این عوامل می‌توان شرایط بهبود

و توسعه اشتغال آنان را فراهم نمود (Cicowicz & et al, 2022). در مطالعاتی در بین زنان روستایی سوئیس و اتریش نتایج نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل پیش برنده و بازدارنده درباره اشتغال زنان روستایی نقش ایفا می‌کنند که از جمله آنها، تحصیلات، میزان مهارت و تخصص، حمایت خانواده، زیرساخت‌های اشتغال و دسترسی به بازارها از مهم‌ترین عوامل پیش برنده توسعه اشتغال این زنان است (Huang & et al, 2022; Xie & et al, 2022).

۳. مبانی و چارچوب نظری

اشتغال زنان روستایی به عنوان یکی از ارکان توسعه، نقش مهمی در بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع روستایی دارد. با این حال، عوامل متعددی به عنوان موانع اساسی در مسیر اشتغال زنان روستایی عمل می‌کنند که در این پژوهش به بررسی آنها پرداخته می‌شود. این عوامل شامل موانع آموزشی، فرهنگی، نهادی، اجتماعی و محیطی هستند که به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و در مجموع، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی را محدود می‌کنند. یکی از مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی، عوامل آموزشی است. آموزش مهم‌ترین منبع رشد توانمندی انسان‌ها است و بنیانی برای رشد سایر مؤلفه‌های توانمندی محسوب می‌شود. ازدواج زودهنگام، ضعف مالی، دوری خانه از مدرسه، لزوم انجام کارهای خانه و مزرعه، دلیل بی‌سوادی یا کم‌سوادی دختران و زنان روستایی است. یکی از عوامل مؤثر بر رشد توانمندی اجتماعی زن، زندگی در خانه‌ای مستقل است. نبود حوزه خصوصی، اختیار عمل محدود در بسیاری از جنبه‌های زندگی، لزوم انجام همه کارهای منزل یا مشارکت عمده در انجام آنها (نظافت، آشپزی، مهمانداری، تهیه فرآورده‌های غذایی و غیره)، لزوم مشارکت در همه امور مربوط به زراعت و دامداری، امکان بروز کدورت؛ لطمه به حرمت افراد، کنترل والدین و دخالت آنها در برخی حوزه‌ها از مشکلات برخی زنان جوان در خانواده‌های گسترده است. تبعیض میان فرزند دختر و پسر، یکی دیگر از پدیده‌های مورد مشاهده بود که البته در گذشته شدت بسیار بیشتری داشته است (هاشم‌پورزوانی و مختاری، ۱۴۰۱). در هر لایه از سلسله‌مراتب زراعی، زنان نقش‌های اقتصادی و بازتولید اجتماعی قابل توجهی را ایفاء می‌نمایند. نقش‌های اجتماعی و اقتصادی آنها توسط ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم جامعه بنا شده که به آنها موقعیت اجتماعی نازل تری را داده است (Maneja, 2002). محدودیت در دسترسی به آموزش رسمی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، سبب کاهش توانمندی‌های زنان در ورود به بازار کار می‌شود. بسیاری از زنان روستایی به دلیل فقر اقتصادی، نبود زیرساخت‌های آموزشی مناسب و نگرش‌های سنتی خانوادگی از ادامه تحصیل بازمی‌مانند. علاوه بر این، ناآگاهی

از فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای نیز موجب می‌شود که زنان نتوانند از برنامه‌های کارآفرینی و مهارت‌آموزی بهره‌مند شوند. این مسئله در نهایت باعث می‌شود که تعداد کمی از زنان روستایی مهارت‌های موردنیاز برای مشاغل پایدار را کسب کنند.

از سوی دیگر، عوامل فرهنگی نیز یکی از موانع جدی در مسیر اشتغال زنان روستایی محسوب می‌شوند. در بسیاری از جوامع روستایی، نگرش‌های سنتی نسبت به نقش زنان در جامعه، موجب محدود شدن فرصت‌های شغلی آنها شده است. کار زنان روستایی از لحاظ فرهنگی به دو دلیل از منزلت و ارزش پائینی برخوردار است و تمایل به اشتغال نسل زنان جوان در این بخش به صفر نزدیک می‌شود: یکی به این دلیل که بخش کار یدی کشاورزی که باکار سخت و در شرایط نامناسب همراه است بر عهده زنان است و دوم آن که به‌طور کلی در شرایط یکسان نیز کار زنان نسبت به کار مردان در سطح پائین تری ارزش‌گذاری می‌شود و لذا دستمزد آنان به نسبت مردان کمتر است. به عنوان مثال، بسیاری از زنان روستایی به دلیل انتظارات اجتماعی و نقش‌های سنتی که بر آنها تحمیل شده است، قادر به ورود به برخی از مشاغل نیستند. همچنین، ترس از انگ اجتماعی و دیدگاه‌های منفی نسبت به اشتغال زنان موجب می‌شود که بسیاری از زنان از فعالیت‌های اقتصادی فاصله بگیرند. این در حالی است که تغییر نگرش‌های فرهنگی می‌تواند تأثیر چشمگیری در افزایش مشارکت زنان در بازار کار داشته باشد.

عوامل نهادی نیز تأثیر بسزایی در محدود کردن اشتغال زنان روستایی دارند. نبود سیاست‌های حمایتی مناسب، عدم اجرای قوانین حمایتی برای زنان کارآفرین، و موانع موجود در دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری از جمله عواملی هستند که فرصت‌های اقتصادی زنان را محدود می‌کنند. بسیاری از زنان روستایی به دلیل نداشتن مالکیت رسمی بر زمین و دیگر منابع تولیدی، امکان دریافت وام‌های کارآفرینی را ندارند. علاوه بر این، ضعف در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی موجب شده است که برنامه‌های توسعه‌ای، نیازهای زنان روستایی را به‌طور کامل در نظر نگیرند. در نتیجه، بسیاری از طرح‌های اشتغال‌زایی در جوامع روستایی از اثربخشی لازم برخوردار نیستند. عوامل اجتماعی نیز در کاهش نرخ اشتغال زنان روستایی نقش چشمگیری دارند. شبکه‌های حمایتی ضعیف، نبود تشکلهای زنان، و مسئولیت‌های خانوادگی گسترده از جمله عواملی هستند که مانع از مشارکت اقتصادی زنان می‌شوند. در جوامع روستایی، زنان معمولاً مسئولیت‌های متعددی مانند نگهداری از کودکان، سالمندان و انجام امور خانه را بر عهده دارند که این مسئله فرصت‌های شغلی آنها را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، ازدواج زودهنگام و افزایش بار مسئولیت‌های خانوادگی، مانعی برای رشد حرفه‌ای زنان محسوب می‌شود.

عوامل محیطی نیز یکی از موانع اساسی در اشتغال زنان روستایی به شمار می‌روند. ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ارتباطات، نبود دسترسی به فناوری‌های نوین و تغییرات اقلیمی از جمله عواملی هستند که فرصت‌های اشتغال را برای زنان روستایی کاهش می‌دهند. نبود راه‌های ارتباطی مناسب، موجب می‌شود که زنان روستایی نتوانند به راحتی به بازارهای کار و مشتریان دسترسی داشته باشند. همچنین، تغییرات اقلیمی و کاهش منابع طبیعی، تأثیر مستقیمی بر معیشت زنان روستایی دارد، زیرا بسیاری از آنها در بخش کشاورزی و دامداری فعالیت می‌کنند. در چنین شرایطی، توانمندسازی زنان و ایجاد فرصت‌های شغلی جایگزین می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش تأثیرات منفی این عوامل داشته باشد (Lei & et al, 2019).

از دیدگاه اقتصادی، توانمندسازی زنان به معنای افزایش کنترل آنها بر تمامی فرآیندهای اقتصادی است و نه صرفاً محدود به مشارکت در برخی فعالیت‌های تولیدی بر این اساس زنان باید امکان پرورش، استفاده از خلاقیت‌ها و توانایی‌های خود را داشته باشند. هر چه زنان توانمندتر شوند، بر میزان نقش آنان در توسعه روستایی و اقتصاد خانوار به طبع در اقتصاد کشور افزوده خواهد شد و زنان می‌توانند در آینده نقش مؤثرتری در کنار مردان، در توسعه روستایی ایفا کنند. البته نقش آموزش در توانمندی زنان که از کارهای اساسی و اصلی سیاست‌گذاری دولتی است از مباحث بسیار مهم در این زمینه به شمار می‌آید. پس برای اینکه این امر تحقق پیدا کند:

- ۱- حضور زنان در امور تولیدی و توانمندسازی آنان یکی از پایه‌های اصلی روستایی است.
- ۲- ارائه آموزش به همراه واگذاری مسئولیت به زنان، از پایه‌های اصلی توسعه در روستا به شمار می‌آید.
- ۳- رونق بخشیدن به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان از پایه‌های اصلی توسعه روستایی است.

اگرچه نقش زنان در توسعه کشاورزی و روستایی بر هیچ‌کس پوشیده نیست و مروری بر نگاشته‌های موجود در این زمینه شاهدهی است بر انفجار مطالعاتی که نقش زنان را در توسعه کشاورزی و روستایی بررسی می‌کند. مشکلات زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی به دلیل کمبودهای شخصی ایشان نیست، بلکه آنان به‌وسیله یک نظام اجتماعی که در آن تبعیضات، صورت قابل قبولی دارد، عقب‌نگه‌داشته شده‌اند. مطالعات کشورهای گوناگون نشان داده است که زنان روستایی تنها ۳۴ درصد از خدمات آموزشی- ترویجی را دریافت می‌کنند. در جوامع گوناگون روستاهای آفریقا، زنان ۷۰ درصد از کل فعالیت‌های کشاورزی را انجام می‌دهند. بر اساس گزارش سازمان فائو در سال ۱۹۷۵، زنان روستاهای آفریقا ۱۰۰ درصد فعالیت‌های تولید غذا، ۵۰ درصد

فعالیت‌های دام‌پروری و ۶۰ درصد فعالیت‌های بازاریابی را انجام می‌دهند. در ایالت آیوا، ۵۰ درصد زنان در برنامه‌ریزی، ۹۲ درصد آنان در فرایند و ۷۹ درصد آنان در بازاریابی تولیدات کشاورزی فعالیت دارند، روستاهای نیجریه افزون بر تولیدات زراعی، در سایر فعالیت‌های مانند دامداری، شیلات و جنگل‌داری نیز فعالیت دارند. باوجود نقش عمده که زنان در تولیدات کشاورزی در این کشورها دارند ولی گرایش آموزش‌های ترویجی بیش‌تر به‌طرف مردان بوده و زنان مورد غفلت قرار گرفته‌اند. تا قبل از دهه ۷۰ در متون توسعه به‌ندرت متنی می‌بینیم که آثاری از جنسیت و زنان در آن وجود داشته باشد. موازی با اینکه نظریه‌پردازان توسعه نظام‌های طراحی را مورد توجه قرار دادند، اهمیت جایگاه زنان در ادبیات توسعه مدنظر قرار گرفت. تا حدی که آن موقع بررسی کردند، دیدند ۷۰٪ تولیدات کشاورزی آفریقا توسط زنان حاصل می‌شود. پس به تدریج مقولات جنسی را در تفکرات توسعه قرار دادند. در ادامه به دیدگاه‌های گوناگون در مورد زنان و توسعه پرداخته می‌شود (Voumik & et al, 2022):

۱. دیدگاه رفاه^۱: تا اوایل دهه ۱۹۷۰ سیاست‌های توسعه در مورد زنان فقط بر نقش آنها به‌عنوان زنان خانه‌دار و مادران با تأکید بر مراقبت کودک و کاهش باروری جهت‌گیری شده بود. چنین پنداشتند که آثار راهبردهای اقتصاد کلان برای رشد، خودبه‌خود به فقرزایی می‌انجامد و زنان فقیر هم از بهبود موقعیت اقتصادی همسرانشان بهره‌مند خواهند شد.

۲. زنان در توسعه^۲: این جنبش شامل مدرنیزاسیون نیز می‌شود و بر آن بود که زنان باید ذیل توسعه گنجانده شوند. مدافعان زن در توسعه از زبان کارایی سود جستند. هدف از این نگرش، درگیر کردن زنان در توسعه اقتصادی از راه اجرایی طرح‌های درآمدزا برای زنان بود. این نگرش ضد فقر همانند بیش‌تر برنامه‌های درآمدزا که تنها به‌طور جنبی موفق بودند، در معادلاتش شکست خورد.

۳. زنان و توسعه^۳: هنگامی که مدرنیزاسیون از سوی نظریه‌پردازان وابستگی مورد انتقاد گرفت، فمینیست‌ها به انتقاد از مدرنیزاسیون از منظر مارکسیستی پرداختند. فمینیست‌های مارکسیست متوجه شدند استثمار کشورهای پیرامونی تنها علت انباشت سرمایه نیست، بلکه علت اصلی نیروی کار تولیدی رایگان زنان است که به‌مثابه یارانه عمل می‌کند.

1. Welfare approach
2. Women In Development (WID)
3. Women And Development (WAD)

۴. جنسیت و توسعه: در این دوره تأکید بر توانمندسازی زنان در جهت ارتقای برابری جنسیتی در توسعه بود. توجه خودزنان به روابط بین زنان و مردان به‌ویژه در جهت تجزیه و تحلیل روابط نابرابر قدرت میان آنان در هر سطح معطوف شد. در سازمان‌های توسعه‌ای، فرآیندهای زن در توسعه جای خود را به سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و روندهای جنسیت و توسعه دادند. آنان دیدگاه زنان و توسعه را به سبب تلقی زنان به‌عنوان یک گروه متناجس و همگن به انتقاد گرفتند. هواداران این ایده، نیازهای عملی جنسیتی یعنی مواردی که زندگی زنان را در نقش‌های وجودشان بهبود می‌بخشد، از نیازهای راهبردی جنسیتی، یعنی مواردی که زندگی زنان را در نقش‌های موجودشان بهبود می‌بخشد، از نیازهای راهبردی جنسیتی که موجب افزایش توانایی زنان برای پذیرش نقش‌های جدید و توانمندسازی آنها می‌شود جدا می‌کنند (Hutchings & et al, 2020).

۵. دیدگاه مبتنی بر کارایی: بر پایه این راهبرد، در چارچوب برنامه‌های اصلاح ساختاری، تحلیل جنسیتی، احساس اقتصادی خوب پدید آورده است و اینکه شناخت نقش‌ها و مسئولیت‌های زنان و مردان به‌عنوان بخشی از برنامه‌ریزی توسعه، کارایی برنامه را بهبود بخشید. نگرش مبتنی بر کارایی به سبب تمرکز بر اینکه زنان چه کار برای توسعه انجام می‌دهند، به‌جای اینکه توسعه چه کاری برای زنان می‌تواند انجام هدف موردانتقاد قرار گرفت.

۶. نگرش مبتنی بر توانمندسازی: توانمندسازی معانی زیادی دارد و حدود اواسط دهه ۱۹۹۰، برخی از آژانس‌های اصلی توسعه، کاربرد این اصطلاح را آغاز کردند. از نظر بیش‌تر این نهادها، توانمندسازی وسیله‌ای برای تقویت کارایی و بهره‌وری، بدون دگرگونی در وضع موجود تلقی می‌شود. از طرف دیگر، ادبیات توسعه، به توانمندسازی به‌عنوان روشی برای تحول اجتماعی و دستیابی به برابری جنسیتی نگاه می‌کند. نگرش مبتنی بر توانمندسازی همچنین از علل سر برآوردن نگرش‌های مشارکتی به توسعه شمرده می‌شود که بیشتر به معنای کار کردن با زنان در سطح جامعه و ایجاد مهارت‌های سازمانی بود.

۷. جنسیت و محیط: این نگرش بر پایه برداشت‌های اکوفمنیستی قرار داشت که ارتباطی اساسی بین زنان و محیط قائل شد و بر نقش زنان در برنامه‌های زیست‌محیطی تأکید می‌کرد.

۸. جریان اصلی برابری جنسیتی: جریان اصلی جنسیتی می‌کوشد که نقاط قوت نگرش‌های مبتنی بر کارایی و توانمندسازی را با جریان اصلی توسعه، ترکیب کند. روند اصلی برابری جنسیتی بر این اصل قرار دارد که دل‌مشغولی و تجربیات زنان و نیز مردان جدا از طرح کردن، اجرا، نظارت و تکامل همه برنامه‌ها نیست تا بتوان به نابرابری جنسیتی پایان داد. به‌طور کلی می‌توان از این روندها چنین نتیجه گرفت که سیاست‌های توسعه به تدریج از تمرکز بر زنان به تأکید بر جنسیت تغییر جهت داده‌اند (Lei & et al, 2019).

در مجموع، به عوامل آموزشی، فرهنگی، نهادی، اجتماعی و محیطی به‌عنوان موانع اصلی توسعه اشتغال زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه پرداخته شده است که بر اساس هدف پژوهش اثرگذاری این عوامل در مدل پژوهش تبیین گردیده است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش انجام، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. گردآوری داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد و در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل معادلات ساختاری بهره گرفته شد.

جامعه آماری این پژوهش را زنان روستایی ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن روستاهای شهرستان شوشتر تشکیل دادند که تعداد آنان مطابق با آخرین سرشماری نفوس و مسکن برابر با ۷۳۵۴ بود. بر اساس رابطه تعیین حجم نمونه کوکران، برای حجم جامعه آماری مذکور، حجم نمونه آماری ۳۶۵ نفر محاسبه گردید. شرکت‌کنندگان در پژوهش به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. بدین منظور با مراجعه حضوری محقق به دهیاری‌ها و هماهنگی با مسئولین ذیربط، تعدادی پرسشنامه در اختیار ایشان قرار داده شد و با مشارکت دهیاری‌های توزیع، تکمیل و گردآوری پرسشنامه‌ها در طی پنج روز متوالی انجام گردید.

در این پژوهش پس از مطالعات نظری و مصاحبه با صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه، شاخص‌های اصلی سازنده عوامل بازدارنده اشتغال زنان شناسایی گردید. سپس به‌منظور تعیین میزان اثرگذاری هر یک از شاخص‌های مدنظر و بررسی نقش شاخص‌ها در بازدارندگی اشتغال زنان روستایی، پرسشنامه‌ای با طرح ۴۷ سؤال با پاسخ‌های پنج سطحی لیکرت طراحی و اعتبار سنجی شد. پس از تأیید روایی پرسشنامه و همچنین تأیید پایایی آن در توزیع نمونه کوچک، توزیع پرسشنامه در نمونه آماری پژوهش انجام شد. همچنین تعدادی از صاحب‌نظران نیز به پرسشنامه پژوهش پاسخ دادند.

جدول ۱. سؤالات پرسشنامه درباره عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستایی

بازدارنده	
شاخص	سؤالات
آموزشی	از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم باور زنان به توانایی های خود است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان بی سواد یا کم سواد زنان روستایی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان پایین بودن مهارت های اقتصادی زنان روستایی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان نداشتن دانش مالی زنان روستایی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان نداشتن خلاقیت، نوآوری و ابتکار زنان روستایی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان آگاهی پایین زنان از محیط جامعه و نیازمندی های آن است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم توجه سازمان های آموزشی به جامعه هدف زنان روستایی است.
فرهنگی	از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم حمایت از طرف خانواده است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم وجود امنیت در بیرون از خانه برای زنان است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم اعتماد مردان به توانایی زنان روستایی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان تداخل وظیفه خانوادگی و شغلی زنان روستایی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم نیاز خانواده به درآمد زنان روستایی است.
اجتماعی	از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم جایگاه مناسب اجتماعی و مقبولیت زنان روستایی در بازار کار است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان نگرش منفی روستاییان به کار زنان است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم اعتماد زنان به یکدیگر و پیشبرد کار گروهی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم امکان یا مهارت بازاریابی تولیدات زنان روستایی است.
نهادی	از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم حمایت دولت از زنان کارآفرین روستایی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان نداشتن وثیقه برای دریافت وام است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان نبود فرصت های شغلی برای زنان در روستا است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم دسترسی به بانک ها و نهادهای مالی برای دریافت تسهیلات است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان نگرش منفی بانک ها برای دادن تسهیلات به زنان است
محیطی	از موانع فعالیت اقتصادی زنان نداشتن مکانی برای انجام کسب و کار است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم دسترسی به بازار فروش زنان روستایی است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان شرایط آب و هوایی نامناسب برای فعالیت تولیدی مناسب است - از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم دسترسی مناسب و به حمل و نقل و بازارهای هدف است. از موانع فعالیت اقتصادی زنان عدم دسترسی مناسب به منابع و مواد اولیه مورد نیاز در منطقه است

در ساخت پرسشنامه پس از مطالعات نظری و استخراج شاخص های مهم و مؤثر، مصاحبه هایی با صاحب نظران و اساتید دانشگاه انجام گردید و پس از توافق بر روی شاخص های مربوط در موضوع پژوهش، سؤالاتی پیرامون هر شاخص طراحی شد. بدین منظور از پژوهش های گذشته و پرسشنامه های در دسترس اقتباساتی انجام شد. در نهایت پرسشنامه پژوهش در ۲۷ سؤال طراحی

شد. همچنین در حیطه‌های شاخص‌های اشتغال زنان ۲۶ سؤال طراحی گردید. پایایی پرسشنامه در توزیع نمونه ۳۰ تایی موردبررسی قرار گرفت و آلفای کرونباخ آن ۰/۸۲ محاسبه شد.

جدول ۲. سؤالات پرسشنامه درباره شاخص‌های اشتغال زنان روستایی

شاخص‌های اشتغال زنان	
شاخص	سؤالات
تولید	تولیدات زنان روستایی در سطح مناسبی است - می‌توان به توسعه توان و شرایط تولیدات بیشتر زنان روستایی در آینده امیدوار بود - زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی مشارکت مناسبی دارند امکان تولیدات متنوع دیگری نیز برای زنان روستایی وجود دارد - کیفیت تولیدات زنان روستایی موردقبول بازار فروش است.
درآمد	زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی درآمد مناسبی دارند - درآمد فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی انگیزه ادامه و توسعه کسب و کار آنان است - درآمد زنان روستایی تحت مالکیت خودشان است - درآمد زنان روستایی از تولیداتشان، برای گذران زندگی کافی است - درآمد فعالیت تولیدی زنان روستایی قابل اطمینان، ثابت و مداوم است
مصرف	کالاهای مصرفی موردنیاز تولید به سهولت در اختیار زنان روستایی قرار دارد - کالاهای تولیدی زنان روستایی در بازار مصرف کنندگان دارای محبوبیت و مشتری مناسبی است - محصولات تولیدی زنان روستایی مستقیماً به دست مصرف کنندگان می‌رسد - زنان روستایی از سلیقه، نظر، پیشنهاد و یا انتقاد مصرف کنندگان تولیداتشان آگاه می‌شوند - مصرف کنندگان تولیدان زنان روستایی از کیفیت محصولات رضایت دارند.
پس‌انداز	درآمد زنان روستایی به قدری است که مقداری از آن پس‌انداز می‌شود - زنان روستایی پس‌انداز منظمی از درآمدهای تولیدی‌شان انجام می‌دهند - پس‌انداز درآمد تولیدی زنان روستایی، به شکل نقدی و در حساب‌های بانکی انجام می‌شود - پس‌انداز درآمد تولیدی زنان روستایی، به شکل سرمایه‌گذاری برای توسعه کسب و کار انجام می‌شود - زنان روستایی برای پس‌انداز درآمدهای خود از سوی خانواده آزادی عمل دارند.

۵. یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش یافته‌های توصیفی و مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی پژوهش

درصد	فراوانی	متغیر	
۵۸/۷	۳۴۷	زن	جنسیت
۱۴/۳	۵۸	مرد	
۷۲/۱	۲۹۲	متأهل	وضعیت تأهل
۲۶/۹	۱۰۹	مجرد	
۱	۴	همسر ازدست داده	
۲/۲	۹	بی سواد کامل	وضعیت تحصیلات
۴/۴	۱۸	در حد خواندن و نوشتن	
۱۹/۳	۷۸	ابتدائی	
۳۷/۵	۱۵۲	راهنمایی و دبیرستان	
۲۱/۷	۸۸	دیپلم	
۲/۷	۱۱	فوق دیپلم	
۶/۷	۲۷	لیسانی	
۵/۴	۲۲	فوق لیسانس و دکتری	
۱۹/۷	۸۰	کمتر از ۲۰ سال	
۶/۲	۲۵	۲۰ تا ۳۰ سال	
۵۰/۴	۲۰۴	۳۱ تا ۴۰ سال	
۲۳/۷	۹۶	بالاتر از ۴۰ سال	

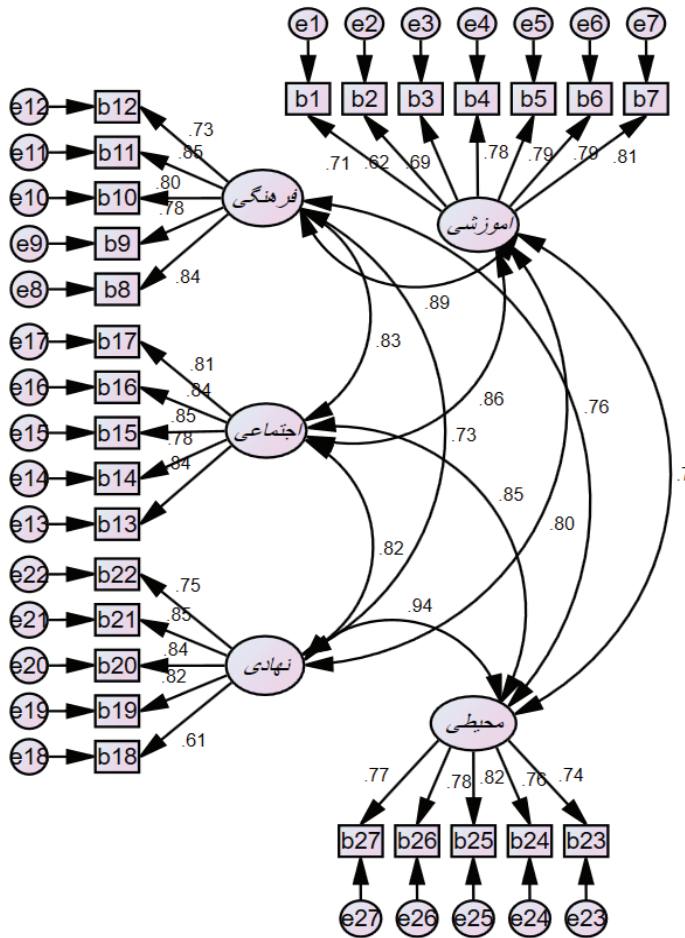
یافته‌های توصیفی مربوط به شاخص‌های بازدارنده توسعه اشتغال و شاخص‌های توسعه شغل در جدول ۴ نشان داده است.

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی	شاخص‌ها	شاخص‌های بازدارنده	شاخص‌های توسعه
گرایش به مرکز	میانگین	۴/۰۸	۱/۸۳
	میانه	۴/۱۴	۱/۷۰
	نما	۵	۱
پراکندگی	انحراف معیار	۰/۷۴۱	۰/۷۵۷
	واریانس	۰/۵۵۰	۰/۵۷۴
	دامنه	۲/۹۳	۴
	کمینه	۲/۰۷	۱
	بیشینه	۵	۵
شکل توزیع	چولگی	-۰/۷۳۰	۱/۰۸۰
	کشیدگی	-۰/۳۰۷	۱/۲۴۴
	خطای چولگی	۰/۱۲۱	۰/۱۲۱
	خطای کشیدگی	۰/۲۴۲	۰/۲۴۲

۵-۱. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول

در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول رابطه عامل یا عامل‌ها (متغیرهای پنهان) با گویه‌ها (متغیرهای مشاهده‌پذیر) مورد سنجش قرار می‌گیرد. در این روش هیچ‌گونه رابطه‌ای بین متغیرهای پنهان مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. این نوع مدل اندازه‌گیری صرفاً برای اطمینان از آن است که متغیرهای پنهان درست اندازه‌گیری شده‌اند. در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول می‌توان رابطه یک عامل با چند گویه یا چند عامل با چند گویه را مورد بررسی قرار داد.



شکل ۱. مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول عوامل بازدارنده در حالت استاندارد

نتایج حاصل نشان می‌دهد مقادیر پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده تمامی عوامل فرهنگی، عوامل نهادی، عوامل اجتماعی، عوامل محیطی و عوامل آموزشی مناسب می‌باشند.

جدول ۵. پایایی و روایی تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول متغیر عوامل بازدارنده

عامل شاخص	CR	AVE
عوامل آموزشی	۰/۸۸۲	۰/۵۹۹
عوامل فرهنگی	۰/۸۹۶	۰/۵۵۴
عوامل اجتماعی	۰/۹۱۴	۰/۶۸۰
عوامل نهادی	۰/۹۰۱	۰/۶۴۵
عوامل محیطی	۰/۸۸۵	۰/۶۰۸

همچنین بار عاملی تمامی سؤالات عوامل فرهنگی، عوامل نهادی، عوامل اجتماعی، عوامل محیطی و عوامل آموزشی بیشتر از ۰/۶ و مقدار بحرانی سؤالات بیشتر از ۱/۹۶ است.

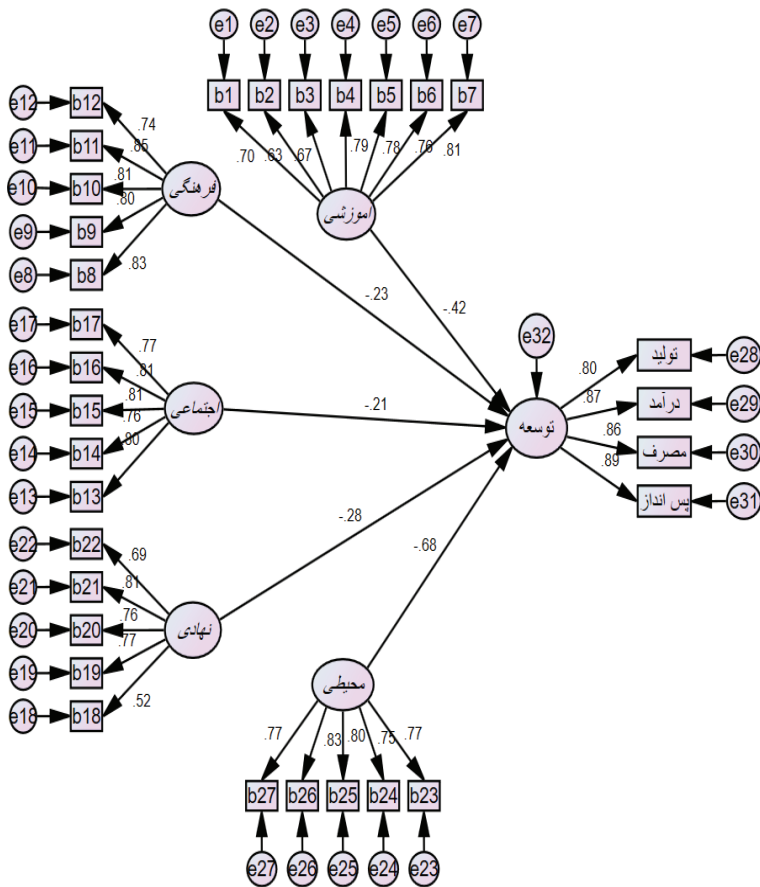
جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول عوامل بازدارنده

شاخص	CMIN/DF	RMSEA	GFI	NFI	RFI	CFI	IFI
مقادیر به دست آمده	۱/۶۰۸	۰/۰۳۹	۰/۹۳۹	۰/۹۶۱	۰/۹۴۱	۰/۹۸۵	۰/۹۸۵

نتایج شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی مرتبه اول در جدول ۷ نشان‌دهنده این است که تمامی شاخص‌های برازش تحلیل عاملی مرتبه اول عوامل بازدارنده تأیید گردیدند.

۲-۵. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم^۱ زمانی که یک سازه بزرگ خود از چند متغیر پنهان تشکیل شده باشد، استفاده می‌شود. در این روش علاوه بر بررسی رابطه متغیرهای مشاهده‌پذیر با متغیرهای پنهان، رابطه متغیرهای پنهان با سازه اصلی خود نیز بررسی می‌شود.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری عوامل بازدارنده توسعه اشتغال زنان در حالت استاندارد

جدول ۷ بارهای عاملی (λ) را برای هر یک از سؤالات متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. بنا بر نتایج به دست آمده مقدار بارهای عاملی متغیرهای آشکار از مقدار ۰/۵ و مقدار بحرانی آن‌ها نیز از نقطه برش ۱/۹۶ بزرگ‌تر بود ($P < ۰/۰۵$) که نشان از اطمینان به سازه دارد.

جدول ۷. بار عاملی، پایایی و روایی متغیرهای مدل معادلات ساختاری عوامل بازدارنده توسعه اشتغال زنان

AVE	CR	بار عاملی (λ)	نشانهگر	عوامل
۰/۵۴۴	۰/۸۹۳	۰/۶۹۸	b1	عوامل آموزشی بازدارنده
		۰/۶۲۹	b2	
		۰/۶۷۳	b3	
		۰/۷۹۰	b4	
		۰/۷۸۱	b5	
		۰/۷۶۵	b6	
		۰/۸۱۰	b7	
۰/۶۵۰	۰/۹۰۲	۰/۸۲۸	b8	عوامل فرهنگی بازدارنده
		۰/۸۰۴	b9	
		۰/۸۱۰	b10	
		۰/۸۴۷	b11	
		۰/۷۳۷	b12	
۰/۶۲۶	۰/۸۹۳	۰/۷۹۸	b13	عوامل نهادی بازدارنده
		۰/۷۶۵	b14	
		۰/۸۱۳	b15	
		۰/۸۰۹	b16	
		۰/۷۷۱	b17	
۰/۵۱۵	۰/۸۳۹	۰/۵۲۱	b18	عوامل اجتماعی بازدارنده
		۰/۷۷۲	b19	
		۰/۷۶۲	b20	
		۰/۸۱۰	b21	
		۰/۶۸۶	b22	

عوامل	نشانهگر	بار عاملی (λ)	CR	AVE
عوامل محیطی بازدارنده	b23	۰/۷۶۶	۰/۸۸۳	۰/۶۱۶
	b24	۰/۷۵۳		
	b25	۰/۸۰۳		
	b26	۰/۸۲۵		
	b27	۰/۷۷۴		
توسعه اشتغال	تولید	۰/۸۰۳	۰/۹۱۶	۰/۷۳۳
	درآمد	۰/۸۷۵		
	مصرف	۰/۸۵۷		
	پس انداز	۰/۸۸۷		

۱۷۳

همچنین نتایج حاصل نشان می‌دهد مقادیر پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده تمامی متغیرهای عوامل آموزشی، عوامل فرهنگی، عوامل نهادی، عوامل اجتماعی، عوامل محیطی و توسعه اشتغال زنان مناسب می‌باشند.

جدول ۸. شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری عوامل بازدارنده توسعه اشتغال زنان

شاخص	CMIN/DF	RMSEA	GFI	NFI	RFI	CFI	IFI
مقادیر به دست آمده	۲/۶۳۶	۰/۰۶۴	۰/۹۱۳	۰/۹۳۹	۰/۹۰۰	۰/۹۶۱	۰/۹۶۱

شاخص‌های کلی برازش نشان می‌دهند که مدل تدوین شده قابل قبول است. نسبت کای اسکوتر مدل به درجه آزادی برابر با ۲/۶۳۶، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد برابر با ۰/۰۶۴، شاخص نیکویی برازش برابر با ۰/۹۱۳، شاخص برازندگی نرم شده برابر با ۰/۹۳۹، شاخص برازش نسبی برابر با ۰/۹۰۰، شاخص برازش تطبیقی برابر با ۰/۹۶۱ و شاخص افزایشی برابر با ۰/۹۶۱ است که همگی تأییدکننده این نتیجه است که مدل تدوین شده قابل قبول تلقی می‌شود.

جدول ۹. میزان تأثیر متغیرهای عوامل بازدارنده بر توسعه اشتغال زنان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر	مقدار بحرانی	سطح معناداری	نتیجه
عوامل آموزشی بازدارنده	توسعه اشتغال زنان	-۰/۴۲۴	۳/۲۵۴	۰/۰۰۱	تأیید
عوامل فرهنگی بازدارنده	توسعه اشتغال زنان	-۰/۲۳۲	۲/۰۶۷	۰/۰۱۳	تأیید
عوامل اجتماعی بازدارنده	توسعه اشتغال زنان	-۰/۲۱۲	۲/۱۰۸	۰/۰۱۵	تأیید
عوامل نهادی بازدارنده	توسعه اشتغال زنان	-۰/۲۸۳	۲/۳۵۴	۰/۰۰۸	تأیید
عوامل محیطی بازدارنده	توسعه اشتغال زنان	-۰/۶۸۰	۴/۴۳۰	۰/۰۰۱	تأیید

بر اساس نتایج حاصل از معادلات ساختاری و با توجه به ضریب مسیر و سطح معناداری مرتبط با هر پنج عامل بازدارنده، می‌توان نتیجه گرفت که این پنج عامل تأثیر منفی و معناداری بر توسعه اشتغال زنان دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستایی پرداخته و نتایج آن نشان داد که مهم‌ترین موانع در این زمینه به ترتیب شامل عوامل فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، نهادی و محیطی هستند. عوامل فرهنگی نظیر عدم حمایت خانواده و تداخل وظایف خانوادگی و شغلی زنان به‌ویژه در جوامع روستایی که ازدواج زودهنگام و محدودیت‌های تحرک زنان رایج است، به عنوان موانع عمده شناسایی شد. این نتایج با پژوهش‌هایی همچون شریفی و همکاران (۱۳۹۸)، علی‌پور (۱۳۹۷)، (Ghose & et al, 2023) و (Kuma & Godana, 2023) همخوانی دارد که به موانع فرهنگی و اجتماعی در زمینه اشتغال زنان اشاره دارند. علاوه بر این، پژوهش نشان داد که نبود دانش مالی و توجه اندک سازمان‌های آموزشی به زنان روستایی از جمله مشکلات عمده در این حوزه است که به محدودیت دسترسی آنها به مشاغل با درآمد بالا و فرصت‌های شغلی بیشتر می‌انجامد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌هایی چون شریفی و همکاران (۱۳۹۸) و علی‌پور (۱۳۹۷) هم‌راستا است. در زمینه عوامل اجتماعی، نتایج پژوهش نشان داد که ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران از مهم‌ترین موانع اجتماعی اشتغال زنان روستایی هستند. این موضوع مشابه نتایج پژوهش‌هایی مانند کلهر و نعمتی (۱۳۹۶) و شریفی و همکاران (۱۳۹۸) است که تأکید دارند که عدم توانایی در ارتباطات مؤثر بر اشتغال زنان تأثیر منفی دارد. از سوی دیگر، در بخش عوامل

نهادی، پژوهش نشان داد که عدم دسترسی زنان به تسهیلات بانکی و نداشتن وثیقه برای دریافت وام از جمله موانع عمده است که با پژوهش‌های ثقفی و همکاران (۱۳۹۳)، رضوی و رضایی نسب (۱۴۰۰) و (Huang et al, 2022) همخوانی دارد. در نهایت، در بخش عوامل محیطی، نتایج پژوهش نشان می‌دهند که تغییرات اقلیمی و کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل از جمله مشکلات عمده‌ای هستند که بر اشتغال زنان روستایی تأثیرگذار هستند. این نتایج با پژوهش‌هایی چون (Kuma & Godana, 2023)، (Imani & et al, 2018) و (Cicowicz & et al, 2022) همسو است که به چالش‌های محیطی و تغییرات اقلیمی در اشتغال زنان روستایی اشاره دارند.

مقایسه نتایج پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد که موانع فرهنگی و اجتماعی از جمله مسائل اصلی در محدود کردن اشتغال زنان روستایی هستند و این نتایج با پژوهش‌های (Ghose & et al, 2023) و (Kuma & Godana, 2023) همخوانی دارد. همچنین، در حوزه آموزشی، نتایج پژوهش به پژوهش علی‌پور (۱۳۹۷) که بر اهمیت تحصیلات در توانمندسازی زنان روستایی تأکید دارد، مشابه است. در زمینه اجتماعی و نهادی، نتایج پژوهش با شریفی و همکاران (۱۳۹۸) و (Cicowicz & et al, 2022) هم‌راستا است که نشان می‌دهند عدم حمایت نهادها از زنان روستایی مانع عمده اشتغال زنان هستند. همچنین، در حوزه محیطی نیز نتایج پژوهش مشابه با پژوهش‌های (Imani & et al, 2018) و (Kuma & Godana, 2023) است که به تأثیرات تغییرات اقلیمی و کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل اشاره دارند.

در نهایت، نتایج پژوهش نشان می‌دهند که عوامل مختلف فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، نهادی و محیطی به طور مشترک در ایجاد موانع برای اشتغال زنان روستایی نقش دارند و سیاست‌گذاران باید برنامه‌هایی برای کاهش این موانع، به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی و نهادی، به منظور حمایت از اشتغال زنان روستایی تدوین کنند.

بر اساس این نتایج پیشنهاد می‌شود برای توسعه اشتغال زنان روستایی شهرستان شوشتر، اقدام‌های عملی زیر در دستور کار سازمان‌های متولی قرار گیرد:

حمایت‌های فرهنگی و اجتماعی از زنان روستایی: یکی از مهم‌ترین پیشنهادها، ایجاد برنامه‌های حمایتی برای زنان روستایی است که شامل برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای خانواده‌ها جهت تغییر نگرش‌ها نسبت به اشتغال زنان می‌شود. ایجاد فرهنگ حمایت از اشتغال زنان و تشویق خانواده‌ها به مشارکت فعال در زندگی شغلی زنان می‌تواند موانع فرهنگی را کاهش دهد.

ایجاد آموزش‌های مالی و کارآفرینی: با توجه به نتایج پژوهش، ارائه آموزش‌های مالی و کارآفرینی برای زنان روستایی می‌تواند به آنها در توسعه شغلی و راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک کمک کند. این آموزش‌ها باید از طریق مؤسسات آموزشی و با همکاری نهادهای دولتی و خصوصی ارائه شوند. گسترش دسترسی به آموزش‌های با کیفیت: یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش موانع اشتغال زنان روستایی، ارتقای سطح تحصیلات و مهارت‌های شغلی آنان است. ایجاد مراکز آموزشی محلی و ارائه دوره‌های مهارت‌آموزی در زمینه‌های مختلف می‌تواند به زنان روستایی کمک کند تا شایستگی‌های لازم برای مشاغل مختلف را به دست آورند. علاوه بر این، باید برنامه‌هایی برای تسهیل دسترسی به آموزش‌های آنلاین و دوره‌های آموزشی ویژه برای زنان روستایی طراحی شود. بهبود شرایط نهادی و قانونی: نهادهای دولتی و سازمان‌های مسئول باید به شرایط و نیازهای خاص زنان روستایی توجه بیشتری داشته باشند. ایجاد تسهیلات مناسب برای زنان روستایی به‌ویژه در زمینه دسترسی به وام‌های اشتغال و مشاوره‌های حقوقی می‌تواند به کاهش موانع نهادی کمک کند. به‌ویژه تسهیل فرآیندهای اداری و قانونی برای کسب مجوزهای شغلی می‌تواند به توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی کمک کند.

ایجاد تسهیلات محیطی: در مناطق روستایی، ایجاد زیرساخت‌های مناسب نظیر حمل‌ونقل عمومی، تأسیس مراکز مراقبت از کودکان و فراهم کردن محیط‌های کاری امن می‌تواند به زنان کمک کند تا بتوانند با آرامش بیشتری وارد بازار کار شوند و مشکلات محیطی را پشت سر بگذارند.

منابع

- ◀ تقفی، مهدی، روانشناس، عباس، و پهلوانی‌نیا، زهرا (۱۳۹۳). واکاوی بر نقش اشتغال زنان روستایی در فرایند توسعه روستایی با تأکید بر موانع و مشکلات (مطالعه موردی؛ بخش تیمور آباد شهرستان هامون). همایش ملی توسعه پایدار روستایی در افق ۱۴۰۴، اصفهان، <https://civilica.com/doc/319473>.
- ◀ داورخانی، فضیله (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان. پژوهش‌های جغرافیایی، ۵۵ (۱۳)، ۲۵-۴۰.
- ◀ رضوی، ناصر، و رضایی‌نسب، آزاده (۱۴۰۰). واکاوی موانع اجتماعی-اقتصادی در توسعه‌ی کارآفرینی و اشتغال زنان روستایی (مورد مطالعه: بخش سنندج). پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۸ (۱۳)، ۵۴-۶۷.
- ◀ شریفی، زینب، ایروانی، هوشنگ، و دانشورعامری، ژیلا (۱۳۹۸). بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال (مورد مطالعه: زنان روستایی شهرستان نجف‌آباد). زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۱۰ (۳۷)، ۲۳۶-۲۱۷. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1398.10.37.10.9>.
- ◀ علی‌پور، محمدصادق (۱۳۹۷). اثر تحصیلات عالی زنان روستایی بر اشتغال در نقاط روستایی ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳ (۲۶)، ۸۸-۶۷. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735>. 000.1397.13.26.3.5
- ◀ فرضی‌زاده، زهرا، متوسلی، محمود، و طالب، مهدی (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی، توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی. توسعه محلی (روستا - شهری)، ۵ (۱)، ۴۰-۱. <https://doi.org/10.22059/jrd.2013.35610>.
- ◀ کلهر، رضوان، و نعمتی، فواد (۱۳۹۶). بررسی اثرات اقتصادی توسعه‌ی اشتغال خانگی بر زنان روستایی شهرستان کنگاور استان کرمانشاه. همایش ملی بررسی راهکارهای مدیریت توسعه کارآفرینی روستایی در ایران، سبزوار، <https://civilica.com/doc/635838>.
- ◀ محمودیان، حسین، و رشوند، مرجان (۱۳۹۱). اشتغال زنان فارغ التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران). زن در توسعه و سیاست، ۱۰ (۱)، ۱۰۴-۸۳. [doi: 10.22059/jwdp.2012.24770](https://doi.org/10.22059/jwdp.2012.24770).
- ◀ میرلطفی، محمودرضا، علوی‌زاده، امیرمحمد، و بدخش، یوسف (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی اثرات توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۳ (۵)، ۱۱-۱.
- ◀ مینویی، سیده‌بیگم (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر در طراحی محیط اشتغال زنان از بعد توانمندسازی محیطی. فصلنامه مطالعات فرهنگ و هنر، ۶ (۱)، ۲۹-۱۷. <https://civilica.com/doc/1499860>.

◀ هاشم‌پور زوانی، شیما، و مختاری، حسام (۱۴۰۱). رویکرد اسناد بین‌المللی به اشتغال زنان و نهاد خانواده. اولین همایش ملی تحولات قانون‌گذاری در زمینه استحکام خانواده و مدیریت اختلافات، دامغان. <https://civilica.com/doc/1582110>.

▶ Abbott, P. & Wallace, C. (2015). *Sociology of women*. Translated by Manijeh Najm Iraqi, Tehran: Nei Publishing.

▶ Cicowiez, M., Akinyemi, O., Sesan, T., Adu, O., & Sokeye, B. (2022). Gender-differentiated impacts of a Rural Electrification Policy in Nigeria. *Energy Policy*, 162, 112774.

▶ Cole, M. (2022). *Education, equality and human rights: issues of gender, 'race', sexuality, disability and social class*. Taylor & Francis.

▶ Crescenzi, R., Ganau, R., & Storper, M. (2022). Does foreign investment hurt job creation at home? The geography of outward FDI and employment in the USA. *Journal of Economic Geography*, 22 (1), 53-79. doi: 10.1093/jeg/lbab016

▶ Ghose, B., Haque, F., & Al Mamun, A. (2023). Factors Influencing Post-Marriage Education and Employment among Bangladeshi Women: A Cross-Sectional Analysis, *Women*, 3(3): 396-407.

▶ Huang, Q., Zheng, X., & Wang, R. (2022). The impact of the accessibility of transportation infrastructure on the Non-Farm employment choices of rural laborers: Empirical analysis based on China's micro data. *Land*, 11(6), 896.

▶ Hutchings, K., Moyle, C. L., Chai, A., Garofano, N., & Moore, S. (2020). Segregation of women in tourism employment in the APEC region. *Tourism Management Perspectives*, 34, 100655.

▶ Islam, M. S. (2021). Role of Islamic microfinance in women's empowerment: evidence from rural development scheme of Islami bank Bangladesh limited. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 13(1), 26-45.

▶ Kelly, S. & Price, H. (2019). Vocational education: A clean slate for disengaged students. *Social Science Research*, 38, 810-825.

▶ Kuma, B., & Godana, A. (2023). Factors affecting rural women economic empowerment in Wolaita Ethiopia. *Cogent Economics & Finance*, 11 (2): 2235823.

▶ Lei, L., Desai, S., & Vanneman, R. (2019). The impact of transportation infra-

- structure on women's employment in India. *Feminist economics*, 25(4), 94-125.
- ▶ Maneja, C.A. (2002), *Women weaving and the web: an Analysis of rural Indian women's Agency in Attaining economic empowerment*. master of arts thesis in communication, culture and technology/, Washington, D.C
 - ▶ Mouly, J., & Costa, E. (2022). *Employment policies in developing countries: a comparative analysis*. Taylor & Francis.
 - ▶ Termine, P. & Percic, M. (2015). *Rural Women's Empowerment through Employment from the Beijing Platform for Action Onwards*, 46, 33-41.
 - ▶ Voumik, L. C. Nafi, S. M. Kuri, B. C. & Raihan, A. (2022). How tourism affects women's employment in Asian countries: an application of Generalized Method of Moments and Quantile Regression. *Journal of Social Sciences and Management Studies*, 1(4), 57-72.
 - ▶ Xie, F. Liu, S. & Xu, D. (2022). Gender difference in time-use of off-farm employment in rural Sichuan, China. *Journal of Rural Studies*, 93, 487-495.
 - ▶ Zheng, H. Ma, W. Guo, Y. & Zhou, X. (2022). Interactive relationship between non-farm employment and mechanization service expenditure in rural China. *China Agricultural Economic Review*, 14(1), 84-105.